

درباره کوچه‌ای با پسوند آباد در بافت قدیمی شهر که نامش یادگار یک صنعت در مشهد است

بیدخت؛ یادگار قالی بافان مشهد

رضا سلیمان نوری اوقتی آباد در پسوند یک نام می‌نشیند. می‌خواهد روایت یک روستا یا آبادی کوچک را بگوید که بعدها با گسترش شهرهای نزدیکشان در آن حل شده و تبدیل به یکی از کوچه‌ها یا خیابان‌ها شده‌اند. گوش ما با نام‌های احمدآباد، ملک‌آباد، سناباد و عباس‌آباد مشهد آشنایی دارد ولی نقشه‌های قاجاری مشهد می‌گویند که این شهر قرارگرفته در حصار شاه‌طهماسبی نیز در همان دوران، دارای دو محدوده با نام‌های گندم‌آباد و مهدی‌آباد بوده‌است. ناگفته‌نماند که گندم‌آباد در سال‌های اخیر به‌طور کامل از بین رفته است و زمین‌های آن به بخشی از صحن پیامبر اعظم (ص) حرم مطهر رضوی تبدیل شده‌اند ولی مهدی‌آباد نه تنها وجود خارجی دارد، بلکه روزبه‌روز گسترده تر می‌شود و ما امروز آن را به نام کاشانی ۱۴ می‌شناسیم.

بیدخت در ابتدای قرن ۱۴ خورشیدی

«مهدی‌آباد» نام اولیه نخستین گذر منشعب شده از خیابان شهید محسن کاشانی (پس از چهارراه زربنه قدیم و حجت کنونی) است. این نام از نخستین روزهای ایجاد این کوچه (از ابتدای سده چهاردهم خورشیدی) تا میانه دهه ۴۰ معرف آن بوده‌است اما در این روزگار شهرداری وقت، نام «بیدخت» را برای آن برمی‌گزیند و نام جدید را بر تابلویی در ابتدای کوچه نصب می‌کند؛ نامی که تا کنون همچنان بر تابلوی کوچه دوام دارد؛ با این تفاوت که در بالای آن، نام شهید محسن کاشانی ۱۴ هم نوشته شده است؛ البته بخش میانی کوچه یعنی در محل تلاقی کوچه‌های «بیدخت» و «بینادل»، دو تابلوی بینادل ۱۲ و ۵ هم نصب شده‌است که از مشترک بودن این محدوده با کوچه بینادل خبر می‌دهد. همچنین در انتهای کوچه و محل تلاقی آن با کوچه شهید خداوردی (کوچه مسجد کرده‌های سابق)، تابلوی شهید خداوردی ۶ دیده می‌شود.

محدوده کوچه بیدخت در دوره قاجار

محدوده کوچه بیدخت کنونی در نقشه‌های دوره قاجار، محدوده‌ای بدون هیچ عارضه دست‌ساز انسانی، نشان داده شده‌ است. این محدوده در نقشه دالمج (ترسیم شده به سال ۱۲۴۸ خورشیدی) به رنگ سبز و با عبارت «باغات مشجر متفرقه» معرفی شده‌ است. که نشان‌دهنده نبود زندگی انسانی و البته داشتن مالک‌های متعدد است. وضعیت این کوچه در نقشه «هرتسفیلد» که سال ۱۳۰۳ کشیده شده است، نیز اندکی متفاوت است. در این نقشه در محدوده تلاقی کوچه و خیابان شهیدکاشانی، باغی محصور ترسیم شده است که یکی از کوچه‌های اطراف آن با بخشی از ابتدای مسیر کنونی کوچه، هماهنگی دارد. به عبارت بهتر نخستین بخش از کوچه در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی اول، ایجاد شده‌ است. با این حال هیچ مدرک و سندی از ساکنان کوچه در این دوران وجود ندارد و تنها با توجه به روایت‌های موجود از سال‌های بعد، می‌توان مدعی شد که این افراد باید کارگران کارگاه‌های فرش‌بافی تازه تأسیس شده توسط ترک‌های مهاجرت‌کرده به مشهد باشند که در این محدوده ساکن شده‌اند.

بیدخت در روزگار پهلوی‌ها

کوچه بیدخت که هنوز نامی نداشته‌ است، در دوده‌ه نخست قرن چهاردهم خورشیدی، رشد فراوان پیدا می‌کند. تاجایی‌که در نقشه سال ۱۲۲۵ خورشیدی به راسته کوچه‌ای تبدیل می‌شود که به پیدخان موجود در کوچه مسجد ترک‌ها می‌رسیده است. در همین نقشه، نام کوچه برای نخستین بار، مهدی‌آباد ثبت شده است. دلیل این امر هم قرار گرفتن کوچه در حاشیه باغ بزرگی موسوم به «باغ مهدی» است که بیشتر بخش غربی این کوچه را به خود اختصاص داده بود. کوچه مهدی‌آباد در آن زمان، شامل هشت فرعی شرقی و پنج فرعی غربی بوده‌ است که دو فرعی نخست شرقی و غربی، بعدها به خیابان شهیدکاشانی تبدیل شده‌اند. ناگفته نماند که دو فرعی آخر غربی نیز همین کوچه‌های بینادل و مسجد ترک‌ها بوده‌اند. از این میان دو فرعی نیز بن بست بوده و به باغ مهدی ختم می‌شده است. از فرعی‌های شرقی نیز سه فرعی بن بست بوده است، سه فرعی از طریق یک مسیر مشترک به کوچه مسجد کرده‌ها ختم می‌شده و آخرین فرعی باقی‌مانده هم مسیری بوده که انشعایی از کوچه دریا دل محسوب می‌شده است. این ساختار به‌طور کامل و فقط با یک تفاوت در نقشه سال ۱۳۲۵ مشهد نیز قابلیت شناسایی دارد. آن تفاوت هم حذف بخش اول کوچه است که به دیوار شهر ختم می‌شده است. همچنین در این دوران، دو فرعی نخست شرقی و غربی کوچه به خیابان عشرت‌آباد و شهیدکاشانی کنونی تبدیل می‌شود.

ایجاد خیابان شاهرضا نو(آیت...)، بهجت کنونی) در دهه ۴۰ سده گذشته خورشیدی، تغییراتی را در ساختار مهدی‌آباد ایجاد کرد. مهم‌ترین این تغییرات، اضافه شدن یک فرعی جدید در بخش غربی کوچه بود که خیابان جدیدالاحداث را از طریق سومین فرعی شرقی کوچه به کوچه‌های دریا دل، تکیه علی اکبری‌ها و سپس کوچه‌های حمام باغ و نوغان متصل می‌کرد. دیگر تغییر مهم کوچه در دوران پهلوی هم عوض شدن نام آن از مهدی‌آباد به بیدخت بود؛ نامی که به دلیل سکونت تعداد درخور توجهی از ترک‌های آذربایجانی فعال در صنعت فرش در این کوچه، برای آن برگزیده شده و به معنی طبیعت، کپکشان و سیاره زهره است.

- حمامی با ۱۱۳۷ اسند

این حمام قدیمی در شمال صحن عتیق، حدفاصل بالاخیابان (خیابان شیرازی) و خیابان طبرسی، در یکی از انشعابات فرعی بازار سنگ تراشان (حجارها)، مشهور به بازار حضرتی، قرار داشت و به همین دلیل، به «حمام حضرتی» نیز مشهور بود. حمام آغچه بعد از ساخت فلکه در حدود سال ۱۳۱۰ خورشیدی، در داخل محدوده فلکه حضرت و مجاور حرم رضوی قرار گرفت و به دلیل منسوب بودن به امام رضا^ع، توجه زائران را به خود جلب کرده بود. این حمام از نظر موقعیت، در محدوده محله نوغان قرار می‌گرفت، محله‌ای که علاوه بر حمام آغچه، حمام‌های دیگری هم مانند «متولی»، «صاحب‌کار»، «شاهوردی خان»، «حاجی‌رستم گرد»، «حاج صفر» و «حمام باغ»، در آن فعال بود.

درباره اینکه نام «آغچه» از کجا آمده است، حرف و حدیث بسیار است.



دلیل ایجاد	بناهای عمومی	قدمت
سکونتگاه کارگران ترک زبان قالیبافی‌های محدوده	پارکینگ عمومی بوستان محلی	پهلوی اول
اسامی کوچه	بنای شاخص	چهره‌ها
مهدی‌آباد، بیدخت کاشانی ۱۴، بینادل ۱۲، شهید خداوردی ۶	دفتر تسهیل‌گری ته پل محله، کتابخانه آیت ...، صانعی، مسجد ترک‌ها	آیت ...، سیبویه، موسوی محضردار، شهید رادمرد، عسکرناجی، پیشکسوت کشتی فرنگی و مسلمان زاده، خیر معروف

بیدخت و روزگار امروزش

کوچه بیدخت در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز اجرای طرح نوسازی و بازسازی اطراف حرم مطهر رضوی، تغییر بزرگی را به خود ندید. تنها تغییر مهم کوچه در این دوران، مهاجرت اغلب ساکنان اولیه آن به دیگر نقاط شهر به دلیل تعطیلی کارگاه‌های فرش‌بافی مانند کارگاه‌های حاجی‌زربنه و پیمان بود. در نخستین سال‌های اجرای طرح، بخشی از پلاک‌های کوچه برای ساخت مجتمع‌های مسکونی خریده شد اما هیچ مجتمعی ساخته نشد و تنها ورودی کوچه به پارکینگ تبدیل شد. تنها فضای سبز این کوچه نیز در تقاطع آن با کوچه شهید خفاف واحدی (کوچه جدید منتهی به راسته نوغان) ایجاد شد. تغییر نگاه به این منطقه مسکونی به عنوان بخشی زائرپذیر و ایجاد تغییر در آن باعث شد تعداد زیادی از دومین گروه ساکنان کوچه به محلات دیگر مهاجرت کنند و منازل مسکونی آنان در اختیار زائران شهرها و حتی کشورهای مختلف قرار گیرد، تاجایی‌که اکنون بسیاری از خانه‌های کوچه، سکنه دائم ندارند. افزون بر این در دهه ۹۰ و پس از تغییرات رخ داده در بدنه کوچه شهیدخداوردی یا مسجد کردها، تغییر بزرگ در آن رخ داد. پیش از این، کوچه بن بست بیدخت تنها از طریق برخی فرعی‌های خود به سایر محلات و کوچه‌ها راه داشت اما با تخریب بقایای یخچال کوچه مسجد ترک‌ها، از حالت بن بست خارج و به کوچه مسجد کردها متصل شد. ناگفته نماند که در سال‌های اخیر، دفتر توسعه محلی ته پل محله به عنوان یگانه مجموعه حکومتی موجود در این کوچه، تلاش‌هایی را برای احیای سکونت در آن آغاز کرده است. همچنین وجود دفتر مرحوم آیت...، صانعی در این کوچه که پس از درگذشت ایشان به کتابخانه تبدیل شده، باعث جذب اهل علم به آن شده است.



نامداران و قدیمی‌های کوچه بیدخت

به دلیل مهاجرت ساکنان قدیمی کوچه، سابقه حضور بیشتر ساکنان کنونی آن، کمتر از بیست سال است و به عبارت بهتر پیدا کردن قدیمی‌های محل چون پیدا کردن سوزن در انبار کاه است. با همه این توضیحات، از خاندان نامجو به عنوان یکی از قدیمی‌ها که سال‌ها حضورش در کوچه پیش از پنجاه سال است، می‌توان نام برد. محمد نامجو، بزرگ کوچه است. عسکرناجی، از پیشکسوتان کشتی فرنگی مشهد، و محمدباقر عطاریانی، خبرنگار پیشکسوت، نیز دوره‌ای از عمر خود را در این کوچه طی کرده‌اند. همچنین مرحوم مسلمان زاده، از خبران قدیمی این محل محسوب می‌شود که حتی پس از فوتش، اهالی محل یاد و خاطره او و روضه‌های پرشور منزلش را در ذهن دارند. موسوی محضردار که خطبه عقد بیشتر جوانان محل را می‌خواند، نیز هرچند درگذشته است، یادش زنده است و نامش بر تابلوی خانه‌اش در دو نبش بینادل و بیدخت دیده می‌شود. مرحوم آیت...، سیبویه که احیارگ مقتل خوانی در مشهد بود، هم مدتی را در این کوچه زندگی کرد و در کنار آن‌ها، خاندان رادمر که نام فرزند شهیدشان، یعنی شهید محمدحسین رادمرد، بر ابتدای فرعی نخست بیدخت (آیت...، بهجت ۱/۱۷) می‌درخشد، از دیگر قدیمی‌های بیدخت محسوب می‌شوند. سرانجام باید از خانواده‌های نوایی، سیدخدادادی و حجت‌الاسلام والمسلمین سعدی به عنوان دیگر ساکنان قدیم کوچه بیدخت نام برد.



مرحوم عزیزا... عطاردی در کتاب «تاریخ فرهنگ خراسان»، آغچه

را یکی از همسران سلطان حسین بایقرا می‌داند که زنی خیر بود و ظاهرا در بازار موقوفاتی داشت و به همین دلیل، بخشی از حاشیه بازار مشهد را به نام وی می‌شناختند. این روایت ظاهرا تنها روایت درخور اعتنا درباره حمام آغچه است. حمام یادشده از همان ابتدا موقوفه آستان قدس رضوی بود و به همین دلیل، در بایگانی مرکز اسناد آستان قدس، ۱۱۳۷ سند درباره آن وجود دارد. (آمنه موسوی / بررسی اسنادی یکی از قدیمی‌ترین حمام‌های وقتی ایران/ پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی). بازار آغچه که نام حمام را از آن گرفته‌اند، در زمان فضل...، وزیر نظام، از نایب التولیه‌های خوش نام حرم مطهر رضوی در دوره قاجار، به بازار سنگ تراشان اختصاص یافت. این موضوعی است که «اعتماد السلطنه» در کتاب «مطلع الشمس» به آن اشاره می‌کند. حمام آغچه تا سال ۱۲۷۷ قمری (۱۲۳۹ خورشیدی)،



نخستین دستگاه ضرب سکه در اوایل سال حیات فتحعلی‌شاه از اروپا خریداری شد

ماجرای سکه قاجاری



سکه‌های بهرام اول

امید حسینی نژاد! داستان ضرب سکه در ایران، تاریخی بلند دارد. از روزگار هخامنشیان، پادشاهان ایران به فکر ضرب سکه برای داد و ستد افتادند. کوروش بزرگ پس از فتح لیدی به سکه «استاتر طلای کروزوسی» را در آنجا ادامه داد و نخستین سکه‌های ایران، سکه‌هایی شد که پادشاهی لیدی به درغ آبسای صغیر ابداع کرده بود. داریوش اول، مبدع نخستین سکه ایرانی بود. سکه طلای این دوره را یونانیان «دریک» می‌نامیدند که در اصل «زریک» به معنی طلایی بود.

در دوره اسکندر ضرب نقش چهره ایزد یا فرمانروا بر روی سکه و نقوش گوناگون بر پشت آن، پس از فتح ایران توسط اسکندر آغاز شد. او سکه‌های طلای زیادی با نقش چهره الهه آتنا ضرب کرد و این کار را سلوکیان نیز پس از وی ادامه دادند. با روی کار آمدن ساسانیان، ضرب سکه طلا که در دوره اشکانیان از رونق افتاده بود، دوباره آغاز شد. نقش چهره فرمانروا بر روی سکه و تصویر آتشدان بر پشت آن، بر بسیاری از سکه‌های ضرب شده در این دوره دیده می‌شود.

- ضرب سکه در دوره اسلامی



سکه افشاریان

نخستین سکه دوره اسلامی را عبدالملک بن مروان که پنجمین خلیفه اموی بود، ضرب کرد. او چند سال پس از خلافت، دستور ضرب سکه به نام خود را داد. بر پشت این سکه‌ها که در دمشق ضرب می‌شد، نقش سه مرد دیده می‌شود که دستان خود را به نشانه دعا بلند کرده‌اند. پس از خلافت عبدالملک، ضرب سکه با تصویر انسانی، ممنوع شد و تا سال‌ها سکه‌ها با کتیبه عربی در حکم سکه استاندارد اسلامی ضرب می‌شدند.

مغولان با فتح ایران، مسلمان شدند. آنان سکه را به همان صورت استاندارد اسلامی اما با تغییراتی در حاشیه سکه می‌کردند که نمونه‌اش، سکه ضرب سلطان ابوسعید ایلخانی است. این کار سال‌ها به سلیقه فرمانروایان گوناگون ادامه یافت.

در دوره صفویه، دین رسمی ایران، شیعه بود و نام دوازده امام ^(ع) بر سکه‌ها ضرب می‌شد. صفویان به‌طور رسمی زبان فارسی را روی سکه‌ها آوردند؛ البته پیش از آنان هم این کار را سلسله‌هایی چون گورکانیان هند انجام می‌دادند. در دوران صفویه، تصویر جانورانی چون شیر و طاووس نیز بر روی سکه‌ها نقش می‌بست.

ضرب سکه در دوره افشاریه، ادامه سنتی بود که در دوره صفویه مرسوم بود. پس از نادر، شاهرخ نوه او، فرمانروای خراسان شد و به همین دلیل، نام امام رضا^(ع)، در بعضی سکه‌های وی دیده می‌شود. کریم‌خان زند با وجود تأسیس سلسله زندیه، خود را نه شاه که «وکیل‌الرعايا» نامید. روی سکه‌های دوره کریم‌خان نیز هرگز از نام شاه یا سلطان استفاده نشده است. در سکه‌های دوره زندیه، از شیراز به عنوان دارالعلم نام برده می‌شود و سکه‌های طلایی به نام امام‌زمان ^(ع) ضرب شده است.

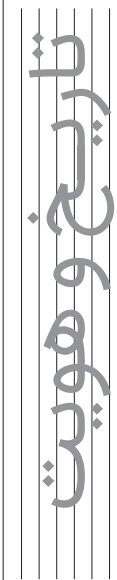
- تحول ضرب سکه در دوره قاجار



گرچه آقامحمدخان علاقه‌ای به نوشتن نام خود بر روی سکه‌ها نداشت، جانشین او فتحعلی‌شاه، درست برعکس او، حتی تصویر خود را روی سکه ضرب کرد. او در سال‌های آخر عمر خویش، تصمیم گرفت تحولی در ضرب سکه ایران ایجاد کند و روش‌های جدید اروپایی را برای این کار، به‌کار گیرد.

د۱۲۱۳ خورشیدی (برابر با ۲۵ دسامبر ۱۸۳۴ میلادی)، دولت وقت ایران یک دستگاه ضرب سکه از اروپا (بروکسل) خرید. این دستگاه که تصمیم به خرید آن در آخرین سال حیات فتحعلی‌شاه قاجار گرفته شده بود، نخستین ماشین ضرب مسکوک است که از اروپا برای ایران آورده شد.

دوده‌به‌بعد، ناصرالدین شاه پس از نخستین سفرش به اروپا، سیاست متمرکز کردن دستگاه ضرب سکه را اجرایی کرد و برای این کار دستگاه‌ها و ماشین‌های لازم از اروپا خریده شد و در سال ۱۲۹۴ قمری، چرخ سکه و ضرابخانه دولتی به ریاست میرزا علی‌خان امین‌الملک و به کمک مستشار اتریشی تأسیس شد. ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۹ قمری، اعلامیه‌ای درباره تأیید صحت عیار مسکوکات ضرابخانه دولتی جدید صادر کرد و به تمام ولایات حکم کرد که همه سکه‌های قدیم را به ضرابخانه دولتی بفرستند و پول جدیدالضرب بگیرند و هر که از تاریخ ماه ربیع‌الاول آن سال تا مدت شش ماه، پول طلا و نقره داشته باشد و آن را به سکه جدیدالضرب تبدیل نکند، خزانه دولت، آن را در عوض پول رایج قبول نخواهد کرد.



نمای ابتدا و انتهای کوچه بیدخت

نمای مسجد ترک‌ها

سایت مرکز اسناد، تاریخ و توسعه شهری شهرداری مشهد

تصویر حمام آغچه برگرفته از

مشهدیات